خبر

کمک ۱۱ میلیون دلاری آیت‌الله سیستانی به آسیب‌دیدگان جنگ

محمدجواد الاحمد، عضو هیأت نمایندگی دفتر آیت‌الله العظمی سیدعلی سیستانی، مرجع معظم شیعیان در عراق از اختصاص ۱۱ میلیون دلار برای کمک به ۳۶۰۰ خانواده از خانواده‌های شهدا و آسیب‌دیدگان جنگ علیه ایران خبر داد.

او توضیح داد که این هیأت در جریان سفر خود به شهرهای آسیب‌دیده ایران، کمک‌های مالی را میان این خانواده‌ها توزیع کرده است.

الاحمد افزود: «این سفر از میناب آغاز و در تهران به پایان رسید و در جریان آن علاوه بر ارائه کمک‌های مالی به خانواده‌ها، عملیات ساخت مدرسه شهدای میناب نیز با حمایت آستان مقدس حسینی آغاز شد.»

وی ادامه داد: «حدود پنج میلیون دلار نیز در اختیار نیروهای نظامی و استانداری‌ها قرار گرفت تا برای بازسازی و کمک به مناطق آسیب‌دیده هزینه شود. در مجموع حدود ۱۱ میلیون دلار در این مسیر هزینه شد که برای ما مایه افتخار ماست.»

روز پنجشنبه، کارشناسان سازمان ملل اعلام کردند دلایل معقولی یافته‌اند که نشان می‌دهد نیروهای آمریکایی مسئول حمله به دبستان «شجره طیبه» در شهر میناب بوده‌اند؛ حمله‌ای که بنا بر اعلام مقام‌های کشورمان بیش از ۱۵۰ شهید بر جای گذاشت که حدود ۱۲۰ نفر از آنها دانش‌آموز بودند.

نفتکش متخلف «ترند» با پرچم کشور توگو مورد اصابت قرار گرفت

فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بامداد جمعه در اطلاعیه‌ای تاکید کرد: همزمان با عبور حماسه حضور شما در میدان از ۲۰۰ شب متوالی، رزمندگان شجاع اسلام و دریادلان نیروی دریایی سپاه کماکان قدرتمندانه، کنترل آبراه حیاتی تنگه هرمز را در اختیار دارند و به هیچ متجاوزی اجازه تردد از آن را نمی‌دهند. در اطلاعیه سردار علی عظمایی آمده است: شب گذشته نفتکش متخلف ترند با پرچم کشور توگو، با تحریک و فریب ارتش کودک‌کش آمریکا قصد عبور غیرقانونی از تنگه هرمز را داشت که مورد اصابت قرار گرفت و پس از بروز حریق در آن متوقف شد. فرمانده نیروی دریایی سپاه افزود: نیروی دریایی سپاه بار دیگر اخطار می‌دهد که عبور غیرقانونی از تنگه هرمز جز نابودی شناور متخلف نتیجه‌ای نخواهد داشت.

سالیوان: در تنگه هرمز گرفتار شده‌ایم

مشاور امنیت ملی دولت بایدن در یک گفت‌وگوی تلویزیونی با اشاره به تلاش‌های دولت دونالد ترامپ برای بازگشایی تنگه هرمز گفت که آمریکا برای بازکردن حتی بخشی از این آبراه، هزینه سنگینی پرداخت کرده و با وضعیت دشواری روبه‌رو شده است.

جیک سالیوان گفت: «ترامپ مدام درباره این‌که چگونه تنگه هرمز را دست‌کم به‌صورت جزئی باز خواهد کرد، صحبت می‌کند؛ اما فقط در ۲۴ ساعت گذشته شنیده‌ایم که حدود چهار کشتی توانسته‌اند از این مسیر عبور کنند.» وی افزود: «این اتفاق میلیاردها دلار هزینه داشته و تقریبا نیمی از ناوگان آمریکا و بخش عمده نیروهای ویژه این کشور را درگیر کرده است؛ آن هم برای تلاش جهت باز کردن جزئی این آبراه.» مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا در ادامه با اشاره به وضعیت واشنگتن گفت: «ما در این وضعیت گرفتار شده‌ایم و راه خوبی برای خروج از آن وجود ندارد.»

هلاکت ۲ تروریست جیش‌الظلم در درگیری با نیروهای امنیتی

دو تروریست مسلح گروهک جیش‌الظلم در درگیری مسلحانه با نیروهای امنیتی در شهر زاهدان به هلاکت رسیدند. سربازان گمنام امام زمان(عج) در اطلاعات سپاه، شب پنجشنبه حین گشتزنی در خیابان دانشگاه زاهدان با مشکوک شدن به یک خودرو به آن نزدیک شدند و در پی تذکر به این خودرو متوجه مسلح بودن سرنشینان آن شدند. مقاومت این عناصر تروریستی در برابر دستگیری به درگیری مسلحانه انجامید و در نهایت طی این درگیری دو نفر از افراد مسلح به هلاکت رسیده و یک نفر هم زخمی و دستگیر شد.

لشکر جان‌فدایان در تهران به میدان آمد و ظرفیت مردمی دفاع از کشور را به نمایش گذاشت

برای ایران تا پای جان



عکس: یدالله عبدی، جام جم

آمریکایی‌ها اگر هنوز جنگ را با ماشین‌حساب پنتاگون محاسبه می‌کنند، باید یک‌بار دیگر معادله ایران را از نو بنویسند؛ دیروز تهران صحنه رژه ۳۱۳ هزار «جان‌فدای ایران» بود؛ رزمایشی که در آن از گردان‌های رزمی بسیج و نیروهای سازمان‌یافته مردمی از زنان، نوجوانان، جانبازان و اقشار مختلف مردم در کنار هم قرار گرفتند تا یک پیام روشن را مخابره کنند: ایران در برابر تهدید خارجی، تنها به موشک و پهپاد متکی نیست؛ پشت این توان نظامی، ظرفیت انسانی و اجتماعی بزرگی قرار دارد که خود را برای دفاع از ایران آماده از میدان امام حسین(ع) تا میدان انقلاب تصویری از یک معادله جدید امنیتی را به نمایش گذاشت. رزمایش بزرگ «جان‌فدای ایران» با حضور هزاران نفر برگزار شد. پهپادهای ایرانی بر فراز این اجتماع به نمایش درآمدند، گردان‌های رزمی بسیج رژه رفتند، زنان و نوجوانان در صفوف جان‌فدایان حضور پیدا کردند و حتی جانبازان دفاع‌مقدس نیز در این برنامه حاضر شدند. رئیس‌جمهور نیز در این اجتماع حضور یافت و آن را جلوه‌ای از همبستگی و وفاداری ملی و اراده مردم برای صیانت از عزت، استقلال و تمامیت ارضی ایران توصیف کرد. اما اهمیت «جان‌فدایان» فقط در تعداد حاضران یا تصاویر هوایی از این اجتماع خلاصه نمی‌شود. زمان و مختصات این رزمایش، قابل تأمل است.

پاسخ تهران به جنگ واشنگتن

ایران امروز در شرایط عادی قرار ندارد. جنگ مستقیم با آمریکا و رژیم صهیونیستی، تهدیدهای نظامی، فشار اقتصادی و تلاش برای ایجاد شکاف داخلی، مجموعه‌ای از توطئه‌ها را علیه تهران تحمیل کرده است. در چنین شرایطی، برگزاری یک رزمایش مردمی با این ابعاد را نمی‌توان صرفا یک برنامه مناسبتی دانست. این رزمایش در واقع پاسخی به یک محاسبه قدیمی آمریکایی است؛ محاسبه‌ای که طی دهه‌های گذشته تلاش کرده قدرت ایران را به چند مؤلفه نظامی تقلیل دهد و همزمان با فشار اقتصادی، تصور کند که می‌توان میان جامعه و ساختار سیاسی شکاف ایجاد کرد. اما پیام «جان‌فدایان» این است که در محاسبه جنگ علیه ایران، انسان را نمی‌توان حذف کرد. آمریکا می‌تواند تعداد جنگنده‌ها، ناوها، بمب‌ها و موشک‌های خود را محاسبه کند اما مسأله اصلی در جنگ با ایران فقط فناوری نظامی نیست؛ توان یک کشور برای حفظ انسجام، سازمان‌دهی نیرو و ادامه مقاومت نیز بخشی از قدرت ملی است.

۳۱۳ هزار نفر؛ یک عدد یا یک پیام؟

عدد ۳۱۳ البته برای برگزارکنندگان معنای نمادین دارد اما فراتر از این نماد، اصل مهم‌تر، سازمان‌دهی ظرفیت انسانی در شرایط جنگی است. سردار حسن حسن‌زاده، فرمانده سپاه تهران بزرگ، پیش از برگزاری رزمایش گفته بود که این برنامه فقط مخصوص نیروهای سازمان‌یافته نیست و همه مردم می‌توانند در آن حضور داشته باشند. در جریان مراسم نیز حجت‌الاسلام طائب، رئیس سازمان بسیج، از آغاز روند سازمان‌دهی داوطلبان «جان‌فدا» در یگان‌های دفاعی سخن گفت. براساس گزارش‌های منتشرشده، برای داوطلبان دوره‌های آموزشی مقدماتی و تکمیلی در نظر گرفته شده است.

این نکته، «جان‌فدا» را از یک اجتماع نمادین فراتر می‌برد. اگر این روند به‌صورت مستمر دنبال شود، خروجی آن می‌تواند ایجاد یک ذخیره انسانی سازمان‌یافته برای دفاع ملی باشد؛ مدلی که در آن جامعه، بخشی از ظرفیت دفاعی کشور محسوب می‌شود.

واشنگتن؛ تکرار یک سوء محاسبه

یکی از مهم‌ترین ضعف‌های سیاست آمریکا در قبال ایران، تلاش برای تحلیل تهران با الگوهای ساده‌انگارانه است؛ همان الگوهایی که گمان می‌کنند تحریم، فشار اقتصادی و تهدید نظامی سرانجام جامعه ایران را وادار به عقب‌نشینی خواهد کرد. تجربه چند دهه گذشته اما نشان داده ایران را نمی‌توان فقط از دریچه اقتصاد و قدرت آتش تحلیل کرد.

برش

رئیس جمهور:

حضور این مردم باعث قوت قلب مدیران است

رئیس‌جمهور روز جمعه در حاشیه رزمایش بزرگ ۳۱۳ هزار جانفدای ایران در گفت‌وگویی تصریح کرد: همین حضور مردم باعث ناامیدی دشمن و قوت قلب مدیران و مجریان کشور می‌شود. دکتر مسعود پزشکیان در این اجتماع مردمی، حضور گسترده اقشار مختلف جامعه را نمادی روشن از پیوند عمیق ملت با ایران و اراده جمعی برای صیانت از عزت، استقلال، تمامیت ارضی و اقتدار کشور دانست و از حضور آگاهانه و مسئولانه مردم در این رزمایش قدردانی کرد. رئیس‌جمهور با تجلیل از حاضران در رزمایش «جانفدایان ایران»، حضور مردم را جلوه‌ای از مسئولیت‌پذیری ملی و تعلق خاطر آنان به سرزمین ایران توصیف و تصریح کرد که ایران متعلق به همه ایرانیان است و حفظ عزت و سربلندی آن، نیازمند وحدت، همدلی و مشارکت همگانی است.

دکتر پزشکیان در پاسخ به پرسشی مبنی بر این‌که آیا در پویش جانفدا ثبت نام کرده است، تاکید کرد: ما همیشه در صحنه بوده‌ایم و همواره برای انقلاب و مردم جان‌مان را فدا می‌کنیم.

جنگ اخیر یک واقعیت دیگر را به نمایش گذاشت؛ جنگ خارجی می‌تواند مسأله دفاع از سرزمین را به یک مسأله اجتماعی تبدیل کند. اگر آمریکا تصور کند با هدف قرار دادن زیرساخت‌های نظامی یا اعمال فشار اقتصادی می‌تواند مسأله ایران را حل کند، با یک متغیر بسیار پیچیده‌تر روبه‌رو خواهد شد؛ جامعه‌ای که بخشی از آن در شرایط تهدید خارجی خود را برای دفاع از کشور سازمان‌دهی می‌کند.

آمریکا با یک پادگان طرف نیست

اشتباه بزرگ واشنگتن این است که ایران را همچون یک پادگان نظامی تصور کند که با حمله به چند مرکز می‌توان آن را از کار انداخت. ایران یک کشور ۹۰ میلیونی با سابقه تاریخی، هویت ملی، ساختارهای نظامی و امنیتی و شبکه‌ای گسترده از نیروهای اجتماعی است. همین ترکیب است که محاسبه جنگ را دشوار می‌کند. رزمایش «جان‌فدای ایران» دقیقا روی همین مؤلفه دست گذاشته است؛ قدرت دفاعی فقط در پادگان نیست؛ بخشی از آن در جامعه است. از همین رو، تصاویر تهران برای واشنگتن شاید از تصاویر یک رژه نظامی متعارف مهم‌تر باشد. در رژه‌های نظامی، تجهیزات قدرت را نمایش می‌دهند؛ در «جان‌فدایان»، انسان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی در مرکز تصویر قرار گرفته است. موشک به دشمن نشان می‌دهد حمله هزینه دارد اما ظرفیت انسانی و اجتماعی نشان می‌دهد تحمیل جنگ لزوما به پایان مقاومت منجر نمی‌شود. این همان پیامی است که رزمایش دیروز برای آمریکا دارد. واشنگتن اگر می‌خواهد درباره ایران توطئه‌ای بچیند، باید بداند که حمله نظامی یک عملیات یک‌مرحله‌ای نیست که با شلیک چندصد موشک پایان پیدا کند. هرچه جنگ طولانی‌تر شود، اهمیت مؤلفه‌هایی مانند نیروی انسانی، تاب‌آوری، سازمان‌دهی و انسجام اجتماعی بیشتر خواهد شد. از این منظر، «جان‌فدایان» را باید بخشی از تلاش ایران برای بازتعریف بازدارندگی در شرایط پس از جنگ دانست؛ بازدارندگی‌ای که در کنار قدرت موشکی و پهپادی، بر ظرفیت بسیج انسانی نیز تکیه می‌کند.

پیام از تهران به کاخ سفید

رزمایش دیروز یک پیام ساده اما مهم داشت: اگر آمریکا جنگ را به ایران تحمیل کند، با یک ارتش تنها مواجه نخواهد بود. در میدان امام حسین(ع)، نوجوانان در کنار جانبازان ایستادند؛ زنان در کنار گردان‌های رزمی رژه رفتند و پهپادهای ایرانی بر فراز اجتماع به نمایش درآمدند. رئیس‌جمهور نیز در میان این جمعیت حاضر شد و بر حفظ عزت، استقلال و تمامیت ارضی کشور تأکید کرد.

این تصویر، فارغ از هرگونه ارزیابی سیاسی، یک پیام روشن دارد: مسأله دفاع از ایران قرار است صرفا در سطح نیروهای مسلح تعریف نشود و این همان نقطه‌ای است که محاسبه آمریکا را دشوار می‌کند.



ناکامی واشنگتن با وتوی چین و روسیه

با اقدام به موقع متحدان تهران، آمریکا در مسیر احیای فشارهای سازمان ملل علیه کشورمان به بن بست خورد



مهدی سیف‌تبریزی
گروه سیاسی

تحولات روزهای اخیر در نشست شورای امنیت سازمان ملل و شکست طرح پیشنهادی ایالات متحده برای تمدید مأموریت هیأت کارشناسان ذیل «کمیته تحریم‌های ۱۷۳۷»، نشانه‌ای روشن از فرسایش ابزارهای قهری غرب به خصوص آمریکا در صحنه بین‌المللی بود. وتوی هماهنگ مسکو و پکن نه‌تنها مسیر بازسازی ماشین نظارتی سازمان ملل علیه ایران را مسدود کرد، بلکه عملا توان نهادی واشنگتن برای اجماع‌سازی جهانی و بسیج کشورها علیه تهران را بی‌اثر ساخت.

تنها چند هفته پس از رونمایی کاخ سفید از فاز نوین کمپین «فشار اقتصادی حداکثری» علیه ایران، این مانور مشترک مسکو و پکن در شورای امنیت سازمان ملل خط بطلانی بر راهبرد بازتولید اجماع ضدایرانی کشید؛ چراکه دیگر امکان تحریم قانونی، فراگیر و مشروعیت‌یافته از سوی سازمان ملل علیه ایران وجود ندارد. واشنگتن اکنون در مواجهه با واقعیت‌های نوین جهان چندقطبی، شاهد خلع سلاح حقوقی خود برای اعمال هرگونه تحریم جدید علیه ایران است و ناچار است برای حفظ هرگونه فشار علیه تهران به ابزارهای فرسوده و پرهزینه تحریم‌های یک‌جانبه و فرامرزی داخلی متوسل شود؛ اقداماتی که دیگر در برابر سازوکارهای مالی و تجاری جهان چندقطبی کارایی گذشته را ندارند.

در جلسه اخیر، واشنگتن قصد داشت مأموریت هیأت کارشناسان تحریم را برای یک سال دیگر تمدید کند تا بازوی پایش و راستی‌آزمایی میدانی ادعاها علیه ایران فعال بماند. با وجود کسب ۱۱ رأی موافق، این طرح با وتوی قاطع دو عضو دائم یعنی چین و روسیه از گردونه خارج شد و دو کشور پاکستان و سومالی نیز رأی ممتنع دادند. نمایندگان مسکو و پکن به‌صراحت اعلام کردند که با انقضای قطعنامه ۲۲۳۱، پرونده هسته‌ای ایران ماهیت گذشته را ندارد، طرح‌های غرب فاقد وجاهت حقوقی است و شورای امنیت نباید به تریبونی برای اعمال منافع یک‌جانبه آمریکا علیه کشورهای مستقل به خصوص ایران تبدیل شود. واسیلی نبنزیا، نماینده روسیه در سازمان ملل در نطق خود، روند برگزاری جلسه و پیش‌نویس ارائه شده از سوی واشنگتن را از بنیان به چالش کشید و گفت: «این پیش‌نویس دارای ایرادات ساختاری عمیق بوده و از هرگونه مبنا و وجاهت حقوقی تهی است. فرآیند اسنپ‌بک (مکانیسم ماشه) که سال گذشته ادعا شد، از اساس غیرقانونی بود و نمی‌توان بر پایه‌ای باطل، ساختار حقوقی جدیدی بنا کرد.» همچنین هیأت دیپلماتیک چین در هم‌پوشانی کامل با موضع مسکو، با انتقاد از استفاده ابزاری از نهادهای بین‌المللی گفت: «قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ منقضی شده و بررسی موضوع هسته‌ای ایران از سوی شورای امنیت به پایان رسیده است. نادیده گرفتن این واقعیت‌های ملموس، تحمیل زورگویانه بازگشت تحریم‌ها علیه ایران در شورای امنیت و به رأی گذاشتن چنین پیش‌نویس قطعنامه مناقشه‌برانگیزی، نتیجه‌ای جز تضعیف وحدت و اعتبار شورای امنیت و ایجاد مانع در مسیر دیپلماسی نخواهد داشت. چین قاطعانه با این اقدام مخالف است.» نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل نیز بلافاصله پس از جلسه، ضمن قدردانی از وتوی روسیه و چین، در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد: «مسکو و پکن با این اقدام مانع از تلاش بدخواهانه و مخرب دیگری از سوی ایالات متحده و متحدانش برای سوءاستفاده ابزاری از شورای امنیت در جهت اهداف سیاسی‌شان شدند.»

ماجرای کمیته ۱۷۳۷ و بازرسان مستقل

برای درک اهمیت این وتو، باید سازوکار کمیته تحریم‌ها را به زبانی ساده مرور کرد. کمیته ۱۷۳۷ نهادی است که پس از صدور قطعنامه‌های تحریمی اولیه علیه ایران در سال ۲۰۰۶ در شورای امنیت شکل گرفت اما این کمیته به‌تنهایی صرفا متشکلی از دیپلمات‌ها بود؛ قدرت اجرایی و اطلاعاتی آن به «هیأت کارشناسان» متکی بود. این هیأت شامل بازرسان مستقلی می‌شد که مأموریت داشتند در سراسر دنیا پرواز کنند، به گمرکات، بنادر و بانک‌ها بروند و مدارک مربوط به خرید و فروش‌های ایران را جمع‌آوری کنند.

علاوه بر این، در منظومه طراحی‌شده غرب، پیوندی نانوشته میان بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و این هیأت کارشناسی شکل می‌گرفت. اگر بازرسان آژانس گزارش می‌دادند که ایران فلان تجهیزات دومنظوره یا مواد آزمایشگاهی را در اختیار دارد، بازرسان هیأت تحریم مأمور می‌شدند تا ردپای مالی و گمرکی آن را در بنادر مختلف ردگیری کنند. سپس نام شرکت حمل‌ونقل، بانک واسط، ناخدای کشتی و بازرگان مربوطه را در گزارش‌های رسمی ثبت می‌کردند. عدم تصویب مأموریت این کمیته و تعیین نشدن بازرسان آن، چند پیامد حقوقی و عملیاتی مستقیم دارد:

۱. خلع سلاح مستندسازی حقوقی: وقتی نام یک شرکت کشتیرانی یا صرافی در بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا بیاید، از منظر حقوق بین‌الملل یک «ادعای یک‌جانبه» است که بسیاری از کشورها می‌توانند آن را نادیده بگیرند اما وقتی همان نام در گزارش رسمی بازرسان سازمان ملل درج شود، بار حقوقی بین‌المللی پیدا می‌کند. عدم تشکیل این کمیته مانع از آن شد که آمریکا بتواند اقدامات خود را پشت مهر سازمان ملل پنهان کند.

۲. قطع اهرم الزام برای بازرسی محموله‌ها: براساس مصوبات پیشین، کشورها موظف یا مجاز بودند به درخواست بازرسان سازمان ملل، کشتی‌ها و محموله‌های مشکوک هوایی یا دریایی را در بنادر ثالث تفتیش و توقیف کنند. بدون وجود بازرسان و ساختار رسمی پایش، چنین مجوزی عملا برای هیچ کشور ثالثی وجاهت قانونی نخواهد داشت و بهانه‌های حقوقی برای توقیف نفتکش‌ها یا محموله‌های کانتینری ایران در آب‌های بین‌المللی از میان رفت.

۳. از بین رفتن هماهنگی میان آژانس و دادگاه‌های بین‌المللی: بازرسان فنی آژانس طبق مقررات پادمانی تنها حق دارند مواد و تأسیسات هسته‌ای را بررسی کنند، نه این‌که بازرگانان، قراردادها و مسیرهای ارزی را پایش نمایند. عدم انتصاب بازرسان ذیل کمیته تحریم به این معناست که داده‌های فنی آژانس دیگر نمی‌توانند به‌صورت خودکار خوراک حقوقی دادگاه‌های خارجی برای توقیف اموال و مسدودسازی دارایی‌های تجاری ایران شوند.

بازرسان؛ اخلالگران مسیرهای تجاری ایران

هدف اصلی احیای این کمیته از سوی آمریکا، ایجاد یک شبکه پایش و فشار بر شریان‌های مبادلاتی ایران با شرکای بزرگ اوراسیایی بود. اقتصاد ایران سال‌هاست که مسیر تأمین منابع و فروش کالاهای خود را از نظامات تحت تسلط غرب جدا کرده و به سمت پکن و مسکو چرخانده است. تشکیل مجدد هیأت کارشناسان می‌توانست به‌طور سیستماتیک این تعاملات را زیر ضربه ببرد.

برش

قالیباف:

وتوی چین و روسیه سوءاستفاده سیاسی از شورای امنیت را رد کرد

در پی مخالفت مسکو و پکن با قطعنامه ضدایرانی آمریکا در شورای امنیت، رئیس مجلس شورای اسلامی در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوشت: نظم تک‌قطبی که در آن یک طرف با زور و اجبار امتیازگیری می‌کرد، به پایان رسیده است. محمدباقر قالیباف گفت: وتوی چین و روسیه سوءاستفاده سیاسی از شورای امنیت را رد و حاکمیت قانون را مجددا تثبیت کرد. وی افزود: ما باید از چندجانبه‌گرایی دفاع کنیم؛ زیرا یکجانبه‌گرایی در خدمت منافع هیچ‌کس نیست.

موازنه قوا و ضرورت تعمیق مثلث راهبردی تهران، مسکو و پکن

پیام وتوی شهریور ۱۴۰۵ در شورای امنیت، صریح و تاریخی است: دوران هژمونی تک‌قطبی و فرمانروایی بی‌قیدوشرط غرب بر نهادهای بین‌المللی برای همیشه پایان یافته است. ائتلاف راهبردی تهران، پکن و مسکو نه تنها در سطح ژئوپلیتیک و نظامی، بلکه در ساحت دیپلماسی حقوقی به سطحی از انسجام و بازدارندگی رسیده که توانسته دکترین تحریم‌های چندجانبه آمریکا را فلج کند.

اقدام اخیر روسیه و چین در شورای امنیت نشان‌دهنده یک تغییر رویکرد ساختاری است؛ حمایتی که دیگر صرفا بیانیه‌ای نیست، بلکه شرکای ایران هزینه‌های سیاسی و دیپلماتیک را در بالاترین رکن تصمیم‌گیری بین‌المللی متقبل می‌شوند. این تصمیم یا همان وتو از دو بعد راهبردی اهمیت دارد:

نخست این‌که مسکو و پکن دریافتند پذیرش بازگشت ابزارهای تنبیهی علیه ایران، مستقیما به نفع راهبرد غرب در مهار کل منطقه اوراسیا تمام می‌شود. چین به امنیت انرژی پایدار خلیج‌فارس نیازمند است و روسیه به زنجیره‌های ترانزیتی و تعاملات صنعتی از مسیر ایران تکیه دارد. مسدودسازی این مسیرها توسط نهادهای وابسته به آمریکا، ضربه مستقیمی به عمق راهبردی هر دو کشور وارد می‌کرد.

دوم این‌که از منظر جمهوری اسلامی ایران، این رویداد اثبات کرد که پیگیری دیپلماسی متوازن، گسترش پیمان‌های بلندمدت با قدرت‌های نوظهور و تلاش برای ورود به ترتیبات چندجانبه نظیر بریکس و سازمان همکاری شانگهای، آثار عملی خود را در مقاطع بحرانی نشان می‌دهد. این موازنه قوا ثابت کرد هماهنگی با دو عضو دائمی شورای امنیت می‌تواند سد محکمی در برابر تحمیل پرونده‌های امنیتی از سوی غرب بسازد.

تداوم این وضعیت نیازمند آن است که همکاری‌های تهران، مسکو و پکن از مرحله اشتراک مواضع سیاسی به سمت توافقات پایدار تجاری، تسهیل تبادلات ارزی ملی و اجرای سریع طرح‌های لجستیکی مشترک حرکت کند. وتوی اخیر در نیویورک بار دیگر آشکار ساخت که انحصار تصمیم‌گیری‌های جهانی توسط غرب شکسته شده و نظام بین‌الملل وارد نظمی چندوجهی شده است که در آن، منافع مشترک قدرت‌های مستقل می‌تواند بزرگ‌ترین کمپین‌های یک‌جانبه را با مانع مواجه کند.